

مکاشفه یوحنا رسول

مقدمه

۱ مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا اموری را که می باید زود واقع شود، بر غلامان خود ظاهر سازد و بوسیله فرشته خود فرستاده، آن را ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا،
 ۲ که گواهی داد به کلام خدا و به شهادت عیسی مسیح در اموری که دیده بود.
 ۳ خوشبختی کسی که می خواند و آنانی که می شنوند کلام این نبوت را، و آنچه در این مکتوب است نگاه می دارند، چونکه وقت نزدیک است.

تجیات و ستایش خدا

۴ یوحنا، به هفت کلیسایی که در آسیا هستند.
 ۵ و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است. مر او را که ما را محبت می نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست،
 ۶ و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت، او را جلال و توانایی باد تا ابد الابد. آمین.
 ۷ اینک با ابرها می آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیزه زدند و تمامی امت های جهان برای وی خواهند نالید. بلی!
 ۸ «من هشتم الف و یا، اول و آخر،» می گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می آید، قادر علی الاطلاق.

رویای یوحنا

۹ من یوحنا که برادر شما و شریک در مصیبت و ملکوت و صبر در عیسی مسیح هستم، بجهت کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیره ای مسمی به پطمس شدم.

- ۱۰ و در روز خداوند در روح شدم و از عقب خود آوازی بلند چون صدای صور شنیدم،
- ۱۱ که می‌گفت: «من الف و یاء اول و آخر هستم. آنچه می‌بینی در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسایی که در آسیا هستند، یعنی به افسس و اسمیرنا و پرغامس و طیاتیرا و ساردس و فیلا دلفیه و لائودکیه بفرست.»
- ۱۲ پس رو برگردانیدم تا آن آوازی را که با من تکلم می‌نمود بنگرم؛ و چون رو گردانیدم، هفت چراغدان طلا دیدم،
- ۱۳ و در میان هفت چراغدان، شبیه پسر انسان را که ردای بلند در بر داشت و بر سینه وی کمر بندی طلا بسته بود،
- ۱۴ و سر و موی او سفید چون پشم، مثل برف سفید بود و چشمان او مثل شعله آتش،
- ۱۵ و پایهایش مانند برنج صیقلی که در کوره تابیده شود، و آواز او مثل صدای آبهای بسیار؛
- ۱۶ و در دست راست خود هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری دودمه تیز بیرون می‌آمد و چهره‌اش چون آفتاب بود که در قوتش می‌تابد.
- ۱۷ و چون او را دیدم، مثل مرده پیش پایهایش افتادم و دست راست خود را بر من نهاده، گفت: «ترسان مباش! من هستم اول و آخر و زنده؛
- ۱۸ و مرده شدم و اینک تا ابد الابد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است.
- ۱۹ پس بنویس چیزهایی را که دیدی و چیزهایی که هستند و چیزهایی را که بعد از این خواهند شد،
- ۲۰ سر هفت ستاره‌ای را که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا را. اما هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان، هفت کلیسا می‌باشند.

به کلیسای افسس

۱ «به فرشته کلیسای در افسس بنویس که این را می گوید او که هفت ستاره را بدست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلایی خرامد. ۲ می دانم اعمال تو را و مشقت و صبر تو را و اینکه متحمل اشرار نمی توانی شد و آنانی را که خود را رسولان می خوانند و نیستند آزمودی و ایشان را دروغگو یافتی؛

۳ و صبرداری و بخاطر اسم من تحمل کردی و خسته نگشتی.

۴ «لکن بچی بر تو دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده ای.

۵ پس بخاطر آن که از ججا افتاده ای و توبه کن و اعمال نخست را بعمل آور و آلا بزودی نزد تو می آیم و چراغدانان را از مکانش نقل می کنم اگر توبه نکنی.

۶ لکن این راداری که اعمال نقولایان را دشمن داری، چنانکه من نیز از آنها نفرت دارم.

۷ «آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیسایاچه می گوید: هر که غالب آید، به او این را خواهم بخشید که از درخت حیات که در وسط فردوس خداست بخورد.

به کلیسای اسمیرنا

۸ «و به فرشته کلیسای در اسمیرنا بنویس که این را می گوید آن اول و آخر که مرده شد و زنده گشت.

۹ اعمال و تنگی و مفلسی تو را می دانم، لکن دولتند هستی و کفر آنانی را که خود را یهود می گویند و نیستند بلکه از کنیسه شیطانند.

۱۰ از آن زحماتی که خواهی کشید مترس. اینک ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم.

۱۱ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید: هر که غالب آید از موت ثانی ضرر نخواهد یافت.

به کلیسای پرغامس

۱۲ «و به فرشته کلیسای در پرغامس بنویس این را می گوید او که شمشیر دودمه تیز را دارد.

۱۳ اعمال و مسکن تو را می دانم که تخت شیطان در آنجاست و اسم مرا محکم داری و ایمان مرا انکار نمودی، نه هم در ایامی که انطیپاس شهید امین من در میان شما در جایی که شیطان ساکن است کشته شد.

۱۴ لکن بحث کمی بر تو دارم که در آنجا اشخاصی را داری که متمسکند به تعلیم بلعام که بالاق را آموخت که در راه بنی اسرائیل سنگی مصادم بیندازد تا قربانی های بتها را بخورند و زنا کنند.

۱۵ و همچنین کسانی را داری که تعلیم نقولایوان را پذیرفته اند.

۱۶ پس توبه کن والا بزودی نزد تو می آیم و به شمشیر زبان خود بایشان جنگ خواهم کرد.

۱۷ آنکه گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می گوید: و آنکه غالب آید، از من مخفی به وی خواهم داد و سنگی سفید به او خواهم بخشید که بر آن سنگ اسمی جدید مرقوم است که احدی آن را نمی داند جز آنکه آن را یافته باشد.

به کلیسای طیاتیرا

۱۸ «و به فرشته کلیسای در طیاتیرا بنویس این را می گوید پسر خدا که چشمان او چون شعله آتش و پایهای او چون برنج صیقلی است.

۱۹ اعمال و محبت و خدمت و ایمان و صبر تو را می دانم و اینکه اعمال آخر تو بیشتر از اول است.

- ۲۰ لکن بختی بر تو دارم که آن زن ایزابل نامی راره می دهی که خود را نبیه می گوید و بندگان مرا تعلیم داده، اغوا می کند که مرتکب زنا و خوردن قربانی های بتها بشوند.
- ۲۱ و به او مهلت دادم تا توبه کند، اما نمی خواهد از زناي خود توبه کند.
- ۲۲ اینک او را بر بستری می اندازم و آنانی را که با او زنا می کنند، به مصیبتی سخت مبتلا می گردانم اگر از اعمال خود توبه نکنند،
- ۲۳ و اولادش را به قتل خواهم رسانید. آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که من امتحان کننده جگرها و قلوب و هریکی از شما را بر حسب اعمالش خواهم داد.
- ۲۴ لکن باقی ماندگان شما را که در طیاتیرا هستید و این تعلیم را نپذیرفته اید و عمقهای شیطان را چنانکه می گویند نفهمیده اید، بار دیگری بر شما نمی گذارم،
- ۲۵ جز آنکه به آنچه دارید تا هنگام آمدن من تمسک جوید.
- ۲۶ و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد، او را بر امت ها قدرت خواهم بخشید
- ۲۷ تا ایشان را به عصای آهنین حکمرانی کند و مثل کوزه های کوزه گرخرد خواهند شد، چنانکه من نیز از پدر خود یافته ام.
- ۲۸ و به او ستاره صبح را خواهم بخشید.
- ۲۹ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید.

۱ «و به فرشته کلیسای در ساردس بنویس این را می گوید او که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد. اعمال تو را می دانم که نام داری که زنده ای ولی مرده هستی.

۲ بیدار شو و مابقی را که نزدیک به فنا است، استوار نما زیرا که هیچ عمل تو را در حضور خدا کامل نیافتم.

۳ پس بیاد آور چگونه یافته ای و شنیده ای و حفظ کن و توبه نما زیرا هرگاه بیدار نباشی، مانند دزد بر تو خواهم آمد و از ساعت آمدن من بر تو مطلع نخواهی شد.

۴ «لکن در ساردس اسمهای چند داری که لباس خود را نجس نساخته اند و در لباس سفید با من خواهند خرامید زیرا که مستحق هستند.

۵ هر که غالب آید به جامه سفید ملبس خواهد شد و اسم او را از دفتر حیات محو نخواهم ساخت بلکه به نام وی در حضور پدرم و فرشتگان او اقرار خواهم نمود.

۶ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید.

به کلیسای فیلادلفیه

۷ «و به فرشته کلیسای در فیلادلفیه بنویس که این را می گوید آن قدوس و حق که کلید داود را دارد که می گشاید و هیچ کس نخواهد بست و می بندد و هیچ کس نخواهد گشود.

۸ اعمال تو را می دانم. اینک دری گشاده پیش روی تو گذارده ام که کسی آن را نتواند بست، زیرا اندک قوتی داری و کلام مرا حفظ کرده، اسم مرا انکار نمودی.

۹ اینک می دهم آنانی را از کنیسه شیطان که خود را یهود می نامند و نیستند بلکه دروغ می گویند. اینک ایشان را مجبور خواهم نمود که بیایند و پیش پایهای تو سجده کنند و بدانند که من تو را محبت نموده ام.

- ۱۰ چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمد تا تمامی ساکنان زمین را بیازماید.
- ۱۱ بزودی می‌آیم، پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج تو را بگیرد.
- ۱۲ هر که غالب آید، او را در هیكل خدای خود ستونی خواهم ساخت و دیگر هرگز بیرون نخواهد رفت و نام خدای خود را و نام شهر خدای خود یعنی اورشلیم جدید را که از آسمان از جانب خدای من نازل می‌شود و نام جدید خود را بر وی خواهم نوشت.
- ۱۳ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

به کلیسای لائودکیه

- ۱۴ «و به فرشته کلیسای در لائودکیه بنویس که این را می‌گوید آمین و شاهد آمین و صدیق که ابتدای خلقت خداست.
- ۱۵ اعمال تو را می‌دانم که نه سرد و نه گرم هستی. کاشکه سرد بودی یا گرم.
- ۱۶ لهدا چون فاتر هستی یعنی نه گرم و نه سرد، تو را از دهان خود قی خواهم کرد.
- ۱۷ زیرای گویی دولت مند هستم و دولت اندوخته‌ام و به هیچ چیز محتاج نیستم و نمی‌دانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان.
- ۱۸ تو را نصیحت می‌کنم که زر مصفای به آتش را از من بخری تا دولت مند شوی، و رخت سفید را تا پوشانیده شوی و ننگ عربانی تو ظاهر نشود و سرمه را تا به چشمان خود کشیده بینایی یابی.
- ۱۹ هر که را من دوست می‌دارم، توییخ و تادیب می‌نمایم. پس غیور شو و توبه نما.

۲۰ اینک بر در ایستاده می گویم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او درخواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من.
 ۲۱ آنکه غالب آید، این را به وی خواهم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنانکه من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او نشستم.
 ۲۲ هر که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید.»

۴

تختی در آسمان

۱ بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اول را که شنیده بودم که چون کرنا با من سخن می گفت، دیگر باره می گوید: «به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.»

۲ فی الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای.

۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس

قرچی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد

۴ و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تحتها بیست و چهار پیر که جامه‌ای سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرین.

۵ و از تخت، برقها و صداها و رعدها بر می آید؛ و هفت چراغ آتشین پیش

تخت افروخته که هفت روح خدا می باشند.

۶ و در پیش تخت، دریایی از شیشه مانند بلور و در میان تخت و گرداگرد

تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان پر هستند.

۷ و حیوان اول مانند شیر بود؛ و حیوان دوم مانند گوساله؛ و حیوان

سوم صورتی مانند انسان داشت؛ و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده.

۸ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه روز باز نمی ایستند از گفتن «قدوس قدوس قدوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می آید.»

۹ و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به آن تخت نشینی که تا ابدالابد زنده است می خوانند،

۱۰ آنگاه آن بیست و چهار پیر می افتند در حضور آن تخت نشین و او را که تا ابدالابد زنده است عبادت می کنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته، می گویند:

۱۱ «ای خداوند، مستحقی که جلال و اکرام و قوت رایبایی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.»

۵

کتاب و بره

۱ و دیدم بردست راست تخت نشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، و مختوم به هفت مهر.

۲ و فرشته ای قوی را دیدم که به آواز بلند ندا می کند که «کیست مستحق اینکه کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟»

۳ و هیچ کس در آسمان و در زمین و در زیر زمین نتوانست آن کتاب را باز کند یا بر آن نظر کند.

۴ و من بشدت می گریستم زیرا هیچ کس که شایسته گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد.

۵ و یکی از آن پیران به من می گوید: «گریان مباش! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داود است، غالب آمده است تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید.»

۶ و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران، بره‌ای چون ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که به تمامی جهان فرستاده می‌شوند.

۷ پس آمد و کتاب را از دست راست تخت‌نشین گرفته است.

۸ و چون کتاب را گرفت، آن چهار حیوان و بیست و چهار پیر به حضور بره افتادند و هر یکی از ایشان بربطی و کاسه‌های زرین پر از بخور دارند که دعاهای مقدسین است.

۹ و سرودی جدید می‌سرایند و می‌گویند: «مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی

۱۰ و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد.»

۱۱ و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و

حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کروه‌ها کرور و هزاران هزار بود؛

۱۲ که به آواز بلند می‌گویند: «مستحق است بره ذبح شده که قوت و

دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد.»

۱۳ و هر مخلوقی که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست و آنچه

در آنها می‌باشد، شنیدم که می‌گویند: «تخت‌نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابد الاباد.»

۱۴ و چهار حیوان گفتند: «آمین!» و آن پیران به روی درافتادند و سجده نمودند.

۶

گشودن شش مهر

۱ و دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود؛ و شنیدم یکی از آن

چهار حیوان به صدایی مثل رعد می‌گوید: «بیا) و بین)!»

۲ دیدیم که ناگاه اسبی سفید که سوارش کمانی دارد و تاجی بدو داده شد و بیرون آمد، غلبه کننده و تاغلبه نماید.
 ۳ و چون مهر دوم را گشود، حیوان دوم را شنیدم که می گوید: «بیا (و بین!»)

۴ و اسبی دیگر، آتشگون بیرون آمد و سوارش را توانایی داده شده بود که سلامتی را از زمین بردارد و تا یکدیگر را بکشند؛ و به وی شمشیری بزرگ داده شد.

۵ و چون مهر سوم را گشود، حیوان سوم را شنیدم که می گوید: «بیا (و بین!») و دیدم اینک اسبی سیاه که سوارش ترازویی بدست خود دارد.
 ۶ و از میان چهار حیوان، آوازی را شنیدم که می گوید: «یک هشت یک گندم به یک دینار و سه هشت یک جو به یک دینار و به روغن و شراب ضرر مرسان.»

۷ و چون مهر چهارم را گشود، حیوان چهارم را شنیدم که می گوید: «بیا (و بین!»)

۸ و دیدم که اینک اسبی زرد و کسی بر آن سوار شده که اسم او موت است و عالم اموات از عقب او می آید؛ و به آن دو اختیار بر یک ربع زمین داده شد تا به شمشیر و ققط و موت و با وحوش زمین بکشند.

۹ و چون مهر پنجم را گشود، در زیر مذبح دیدم نفوس آنانی را که برای کلام خدا و شهادتی که داشتند کشته شده بودند؛

۱۰ که به آواز بلند صدا کرده، می گفتند: «ای خداوند قدوس و حق، تا به کی انصاف نمی نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی کشی؟»

۱۱ و به هر یکی از ایشان جامه ای سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی دیگر آرامی نمایند تا عدد همقطاران که مثل ایشان کشته خواهند شد، تمام شود.

۱۲ و چون مهر ششم را گشود، دیدم که زلزله ای عظیم واقع شد و آفتاب چون پلاس پشمی سیاه گردید و تمام ماه چون خون گشت؛

۱۳ و ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، مانند درخت انجیری که از باد سخت به حرکت آمده، میوه های نارس خود را می افشاند.

۱۴ و آسمان چون طوماری پیچیده شده، از جا برده شد و هرکوه و جزیره از مکان خود منتقل گشت.

۱۵ و پادشاهان زمین و بزرگان و سپه سالاران و دولتمندان و جباران و هر غلام و آزاد خود را درمغاره ها و صخره های کوهها پنهان کردند.

۱۶ و به کوهها و صخره ها می گویند که «بر ما بیفتید و ما را مخفی سازید از روی آن تخت نشین و از غضب بره؛

۱۷ زیرا روز عظیم غضب او رسیده است و کیست که می تواند ایستاد؟»

۷

مهر کردن بندگان خدا

۱ و بعد از آن دیدم چهار فرشته، بر چهار گوشه زمین ایستاده، چهار باد زمین را بازمی دارند تا باد بر زمین و بر دریا و بر هیچ درخت نوزد.

۲ و فرشته دیگری دیدم که از مطلع آفتاب بالا می آید و مهر خدای زنده را دارد. و به آن چهار فرشته ای که بدیشان داده شد که زمین و دریا را ضرر رسانند، به آواز بلند ندا کرده،

۳ می گوید: «هیچ ضرری به زمین و دریا و درختان مرسانید تا بندگان خدای خود را بر پیشانی ایشان مهر زنیم.

۴ و عدد مهرشدگان را شنیدم که از جمیع اسباط بنی اسرائیل، صد و چهل و چهار هزار مهر شدند.

۵ و از سبط یهودا دوازده هزار مهر شدند؛ و از سبط روبین دوازده هزار؛ و از سبط جاد دوازده هزار؛

۶ و از سبط اشیر دوازده هزار؛ و از سبط نفتالیم دوازده هزار؛ و از سبط منسی دوازده هزار؛

۷ و از سبط شمعون دوازده هزار؛ و از سبط لاوی دوازده هزار؛ و از سبط یساکار دوازده هزار؛

۸ از سبط زبولون دوازده هزار؛ و از سبط یوسف دوازده هزار؛ و از سبط بنیامین دوازده هزار مهر شدند.

گروهی عظیم با جامه های سفید

۹ و بعد از این دیدم که اینک گروهی عظیم که هیچ کس ایشان را نتواند شمرد، از هرامت و قبیله و قوم و زبان در پیش تخت و در حضور بره به جامه های سفید آراسته و شاخه های نخل به دست گرفته، ایستاده اند
۱۰ و به آواز بلند ندا کرده، می گویند: «نجات، خدای ما را که بر تخت نشسته است و بره را است.»

۱۱ و جمیع فرشتگان در گرد تخت و پیران و چهار حیوان ایستاده بودند. و در پیش تخت به روی در افتاده، خدا را سجده کردند
۱۲ و گفتند: «آمین! برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوت و توانایی، خدای ما را باد تا ابد الاباد. آمین.»

۱۳ و یکی از پیران متوجه شده، به من گفت: «این سفیدپوشان کیانند و از کجا آمده اند؟»

۱۴ من او را گفتم: «خداوند تو می دانی!» مرا گفت: «ایشان کسانی می باشند که از عذاب سخت بیرون می آیند و لباس خود را به خون بره شست و شو کرده، سفید نموده اند.»

۱۵ از این جهت پیش روی تخت خدایند و شبانه روز در هیكل او وی را خدمت می کنند و آن تخت نشین، خیمه خود را برایشان برپا خواهد داشت.

۱۶ و دیگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد و آفتاب و هیچ گرما بر ایشان نخواهد رسید.

۱۷ زیرا بره ای که در میان تخت است، شبان ایشان خواهد بود و به چشمه های آب حیات، ایشان را راهنمایی خواهد نمود؛ و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد.»

۸

مهر هفتم

۱ و چون مهر هفتم را گشود، خاموشی قریب به نیم ساعت در آسمان واقع شد.
 ۲ و دیدم هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده اند که به ایشان هفت کرنا داده شد.
 ۳ و فرشته‌ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مجمری طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به دعا‌های جمیع مقدسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد،
 ۴ و دود بخور، از دست فرشته با دعا‌های مقدسین در حضور خدا بالا رفت.
 ۵ پس آن فرشته مجمر را گرفته، از آتش مذبح آن را پر کرد و به سوی زمین انداخت و صداها و رعدها و برقها و زلزله حادث گردید.

هفت کرنا

۶ و هفت فرشته‌ای که هفت کرنا را داشتند خود را مستعد نواختن نمودند
 ۷ و چون اولی بنواخت تگرگ و آتش با خون آمیخته شده، واقع گردید و به سوی زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز سوخته شد.
 ۸ و فرشته دوم بنواخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ، به آتش افروخته شده، به دریا افکنده شد و ثلث دریا خون گردید،
 ۹ و ثلث مخلوقات دریایی که جان داشتند، بمردند و ثلث کشتیها تباہ گردید.

۱۰ و چون فرشته سوم نواخت، ناگاه ستاره‌ای عظیم، چون چراغی افروخته شده از آسمان فرود آمد و بر ثلث نهرها و چشمه‌های آب افتاد.
 ۱۱ و اسم آن ستاره را افسنتین می‌خوانند؛ و ثلث آنها به افسنتین مبدل گشت و مردمان بسیار از آبهایی که تلخ شده بود مردند.

۱۲ و فرشته چهارم بناوخت و به ثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث ستارگان صدمه رسید تا ثلث آنها تاریک گردید و ثلث روز و ثلث شب همچنین بی نور شد.
 ۱۳ و عقابی را دیدم و شنیدم که در وسط آسمان می‌پرد و به آواز بلند می‌گوید: «وای وای بر ساکنان زمین، بسبب صداهای دیگرگرنای آن سه فرشته ای که می‌باید بنوازند.»

۹

۱ و چون فرشته پنجم بناوخت، ستاره‌ای را دیدم که بر زمین افتاده بود و کلید چاه هاویه بدو داده شد.
 ۲ و چاه هاویه را گشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه بالا آمد و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گشت.
 ۳ و از میان دود، ملخها به زمین برآمدند و به آنها قوتی چون قوت عقربهای زمین داده شد
 ۴ و بدیشان گفته شد که ضرر نرسانند نه به گیاه زمین و نه به هیچ سبزی و نه به درختی بلکه به آن مردمانی که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند.
 ۵ و به آنها داده شد که ایشان را نکشند بلکه تا مدت پنج ماه معذب بدارند و اذیت آنها مثل اذیت عقرب بود، وقتی که کسی را نیش زند.
 ۶ و در آن ایام، مردم طلب موت خواهند کرد و آن را نخواهند یافت و تمنای موت خواهند داشت، اما موت از ایشان خواهد گریخت.
 ۷ و صورت ملخها چون اسبهای آراسته شده برای جنگ بود و بر سر ایشان مثل تاجهای شبیه طلا، و چهره های ایشان شبیه صورت انسان بود.
 ۸ و موئی داشتند چون موی زنان، و دندانهایشان مانند دندانهای شیران بود.
 ۹ و جوشنها داشتند، چون جوشنهای آهنین و صدای بالهای ایشان، مثل صدای ارابه های اسبهای بسیار که به جنگ همی تازند.

- ۱۰ و دهما چون عقربها با نیشها داشتند؛ و در دم آنها قدرت بود که تا مدت پنج ماه مردم را اذیت نمایند.
- ۱۱ و بر خود، پادشاهی داشتند که ملک الهاویه است که در عبرانی به ابدون مسمی است و در یونانی او را اپلیون خوانند.
- ۱۲ یک وای گذشته است. اینک دو وای دیگر بعد از این می‌آید.
- ۱۳ و فرشته ششم بنواخت که ناگاه آوازی از میان چهار شاخ مذبح طلایی که در حضور خداست شنیدم
- ۱۴ که به آن فرشته ششم که صاحب کرنا بود می‌گوید: «آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته‌اند، خلاص کن.»
- ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده‌اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند، خلاصی یافتند.
- ۱۶ و عدد جنود سواران، دویست هزار هزار بود که عدد ایشان را شنیدم.
- ۱۷ و به اینطور اسبان و سواران ایشان را در رویا دیدم که جوشنهای آتشین و آسمانجونی و کبریتی دارند و سرهای اسبان چون سر شیران است و از دهانشان آتش و دود و کبریت بیرون می‌آید.
- ۱۸ از این سه بلا یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان برمی‌آید، ثلث مردم هلاک شدند.
- ۱۹ زیرا که قدرت اسبان در دهان و دم ایشان است، زیرا که دمای آنها چون مارهاست که سرها دارد و به آنها اذیت می‌کنند.
- ۲۰ و سایر مردم که به این بلا کشته نگشتند، از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها و تهای طلا و نقره و برنج و سنگ و چوب را که طاقت دیدن و شنیدن و خرامیدن ندارند، ترک کنند؛
- ۲۱ و از قتلها و جادوگریها و زنا و دزدیهای خود توبه نکردند.

۱۰

فرشته زورآور و کتاچه

۱ و دیدم فرشته زورآور دیگری را که از آسمان نازل می‌شود که ابری دربر دارد، و قوس قزحی بر سرش و چهره‌اش مثل آفتاب و پایهایش مثل ستونهای آتش.

۲ و در دست خود کتاچه‌ای گشوده دارد و پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر زمین نهاد؛

۳ و به آواز بلند، چون غرش شیر صدا کرد؛ و چون صدا کرد، هفت رعد به صداهای خود سخن گفتند.

۴ و چون هفت رعد سخن گفتند، حاضر شدم که بنویسم. آنگاه آوازی از آسمان شنیدم که می‌گوید: «آنچه هفت رعد گفتند مهر کن و آنها را منویس.»

۵ و آن فرشته‌ای را که بر دریا و زمین ایستاده دیدم، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرده،

۶ قسم خورد به او که تا ابدالابد زنده است که آسمان و آنچه را که در آن است و زمین و آنچه را که در آن است و دریا و آنچه را که در آن است آفرید که «بعد از این زمانی نخواهد بود،

۷ بلکه در ایام صدای فرشته هفتم، چون کرنا را می‌باید بنوازد، سر خدا به اتمام خواهد رسید، چنانکه بندگان خود انبیا را بشارت داد.»

۸ و آن آوازی که از آسمان شنیده بودم، بار دیگر شنیدم که مرا خطاب کرده، می‌گوید: «برو و کتاچه گشاده را از دست فرشته‌ای که بر دریا و زمین ایستاده است بگیر.»

۹ پس به نزد فرشته رفته، به وی گفتم که کتاچه را به من بدهد. او مرا گفت: «بگیر و بخور که اندرون‌ت را تلخ خواهد نمود، لکن در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود.»

۱۰ پس گناچه را از دست فرشته گرفته، خوردم که در دهانم مثل عسل شیرین بود، ولی چون خورده بودم، درونم تلخ گردید.
 ۱۱ و مرا گفت که «می‌باید تو اقوام و امت‌ها و زبانها و پادشاهان بسیار را نبوت کنی.»

۱۱

دو شاهد خدا

۱ و نی‌ای مثل عصا به من داده شد و مرا گفت: «برخیز و قدس خدا و مدح و آثانی را که در آن عبادت می‌کنند پیمایش نما.
 ۲ و صحن خارج قدس را بیرون انداز و آن را میمابرا که به امت‌ها داده شده است و شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند نمود.
 ۳ و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدت هزار و دو یست و شصت روز نبوت نمایند.»
 ۴ اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده‌اند.
 ۵ و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان ایشان را فرو می‌گیرد؛ و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود.
 ۶ اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نیارد و قدرت بر آنها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخواهند، به انواع بلا یا مبتلا سازند.
 ۷ و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هارویه برمی‌آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت
 ۸ و بدنهای ایشان در شارع عام شهر عظیم که به معنی روحانی، به سدوم و مصر مسمی است، جایی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت، خواهد ماند.

- ۹ و گروهی از اقوام و قبایل و زبانها و امت‌ها، بدنهای ایشان را سه روز و نیم نظاره می‌کنند و اجازت نمی‌دهند که بدنهای ایشان را به قبر سپارند.
- ۱۰ و ساکنان زمین بر ایشان خوشی و شادی می‌کنند و نزد یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، از آنرو که این دونی ساکنان زمین رامعذب ساختند.
- ۱۱ و بعد از سه روز و نیم، روح حیات از خدا بدیشان درآمد که بر پایهای خود ایستادند و بینندگان ایشان را خوفی عظیم فرو گرفت.
- ۱۲ و آوازی بلند از آسمان شنیدند که بدیشان می‌گوید: «به اینجا صعود نمایید.» پس در ابر، به آسمان بالا شدند و دشمنان ایشان را دیدند.
- ۱۳ و در همان ساعت، زلزله‌ای عظیم حادث گشت که ده‌یک از شهر منهدم گردید و هفت هزار نفر از زلزله هلاک شدند و باقی ماندگان ترسان گشته، خدای آسمان را تعجید کردند.
- ۱۴ وای دوم در گذشته است. اینک وای سوم بزودی می‌آید.

کرنای هفتم

- ۱۵ و فرشته‌ای بناخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شد که می‌گفتند: «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابد الاباد حکمرانی خواهد کرد.»
- ۱۶ و آن بیست و چهار پیر که در حضور خدا بر تختهای خود نشسته‌اند، به روی در افتاده، خدا را سجده کردند
- ۱۷ و گفتند: «تو را شکر می‌کنیم ای خداوند، خدای قادر مطلق که هستی و بودی، زیرا که قوت عظیم خود را بدست گرفته، به سلطنت پرداختی.»
- ۱۸ و امت‌ها خشمناک شدند و غضب تو ظاهر گردید و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود و تا بندگان خود یعنی انبیا و مقدسان و

ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و مفسدان زمین را فاسد گردانی.»
 ۱۹ و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت و تابوت عهدنامه او در قدس او ظاهر شد و بر قها و صدها و رعداها و زلزله و تگرگ عظیمی حادث شد.

۱۲

زن و ازدها

- ۱ و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد: زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایپایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است،
- ۲ و آستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد برمی آورد.
- ۳ و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای بزرگ آتشگون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛
- ۴ و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت. و ازدها پیش آن زن که می‌زایید بایستاد تا چون زاید فرزند او را بیلعد.
- ۵ پس بسر زینه‌ای را زایید که همه امت های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او ر بوده شد.
- ۶ و زن به بیابان فرار کرد که در آنجا مکانی برای وی از خدا مهیا شده است تا او را مدت هزار و دوست و شصت روز پرورند.
- ۷ و در آسمان جنگ شد: میکائیل و فرشتگانش با ازدها جنگ کردند و ازدها و فرشتگانش جنگ کردند،
- ۸ ولی غلبه نیافتند بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد.
- ۹ و ازدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می‌فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند.
- ۱۰ و آوازی بلند در آسمان شنیدم که می‌گوید: «اکنون نجات و قوت و سلطنت خدای ما و قدرت مسیح او ظاهر شد زیرا که آن مدعی برادران

ما که شبانه‌روز در حضور خدای ما برایشان دعوی می‌کنند، به زیر افکنده شد.

۱۱ وایشان بوساطت خون بره و کلام شهادت خود براو غالب آمدند و جان خود را دوست نداشتند.

۱۲ از این جهت‌ای آسمانها و ساکنان آنها شادباشید؛ وای بر زمین و دریا زیرا که ابلیس به نزد شما فرود شده است با خشم عظیم، چون می‌داند که زمانی قلیل دارد.»

۱۳ و چون اژدها دید که بر زمین افکنده شد، برآن زن که فرزند نرینه را زاییده بود، جفا کرد.

۱۴ و دو بال عقاب بزرگ به زن داده شد تا به بیابان به مکان خود پرواز کند، جایی که او را از نظر آن مار، زمانی و دوزمان و نصف زمان پرورش می‌کنند.

۱۵ و مار از دهان خود در عقب زن، آبی چون رودی ریخت تا سیل او را فرو گیرد.

۱۶ و زمین زن را حمایت کرد و زمین دهان خود را گشاده، آن رود را که اژدها از دهان خود ریخت فرو برد.

۱۷ و اژدها بر زن غضب نموده، رفت تا باباقی ماندگان ذریت او که احکام خدا را حفظ می‌کنند و شهادت عیسی را نگاه می‌دارند، جنگ کند.

۱۳

وحشی از دریا

۱ و او بر ریگ دریا ایستاده بود.

۲ و آن وحش را که دیدم، مانند پلنگ بود و پایهایش مثل پای خرس و دهانش مثل دهان شیر. و اژدها قوت خویش و تحت خود و قوت عظیمی به وی داد.

۳ و یکی از سرهایش را دیدم که تا به موت کشته شد و از آن زخم مهلک شفا یافت و تمامی جهان در پی این وحش در حیرت افتادند.

۴ و آن اژدها را که قدرت به وحش داده بود، پرستش کردند و وحش را سجده کرده، گفتند که «کیست مثل وحش و کیست که با وی می‌تواند جنگ کند؟»

۵ و به وی دهانی داده شد که به کبر و کفر تکلم می‌کند؛ و قدرتی به او عطا شد که مدت چهل و دو ماه عمل کند.

۶ پس دهان خود را به کفرهای برخدا گشود تا بر اسم او و خیمه او و سکنه آسمان کفر گوید.

۷ و به وی داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر ایشان غلبه یابد؛ و تسلط بر هر قبیله و قوم و زبان و امت، بدو عطا شد.

۸ و جمیع ساکنان جهان، جز آنانی که نامهای ایشان در دفتر حیات بره‌ای که از بنای عالم ذبح شده بود مکتوب است، او را خواهند پرستید.

۹ اگر کسی گوش دارد بشنود.

۱۰ اگر کسی اسیر نماید به اسیری رود، و اگر کسی به شمشیر قتل کند، می‌باید او به شمشیر کشته گردد. در اینجا است صبر و ایمان مقدسین.

وحشی دیگر از زمین

۱۱ و دیدم وحش دیگری را که از زمین بالامی آید و دو شاخ مثل شاخهای بره داشت و مانند اژدها تکلم می‌نمود؛

۱۲ و با تمام قدرت وحش نخست، در حضور وی عمل می‌کند و زمین و سکنه آن را بر این وامی دارد که وحش نخست را که از زخم مهلک شفا یافت، پرستند.

۱۳ و معجزات عظیمه بعمل می‌آورد تا آتش را نیز از آسمان در حضور مردم به زمین فرود آورد.

۱۴ و ساکنان زمین را گمراه می‌کند، به آن معجزاتی که به وی داده شد که آنها را در حضور وحش بنماید. و به ساکنان زمین می‌گوید که صورتی را از آن وحش که بعد از خوردن زخم شمشیر زیست نمود، بسازند.

- ۱۵ و به وی داده شد که آن صورت وحش را روح بخشد تا که صورت وحش سخن گوید و چنان کند که هر که صورت وحش را پرستش نکند، کشته گردد.
- ۱۶ و همه را از کبیرو صغیر و دولتمند و فقیر و غلام و آزاد بر این وامی دارد که بر دست راست یا بر پیشانی خود نشانی گذارند.
- ۱۷ و اینکه هیچ کس خرید و فروش نتواند کرد، جز کسی که نشان یعنی اسم یا عدد اسم وحش را داشته باشد.
- ۱۸ در اینجا حکمت است. پس هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد، زیرا که عدد انسان است و عددش ششصد و شصت و شش است.

۱۴

بره بر کوه صهیون

- ۱ و دیدم که اینک بره، بر کوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او و اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم می‌دارند.
- ۲ و آوازی از آسمان شنیدم، مثل آواز آبهای بسیار و مانند آواز عدعظیم؛ و آن آوازی که شنیدم، مانند آواز بر بطن‌وزان بود که بر بطنهای خود را بنوازند.
- ۳ و در حضور تخت و چهار حیوان و پیران، سرودی جدید می‌سرایند و هیچ کس نتوانست آن سرود را بیاموزد، جز آن صد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند.
- ۴ اینانند آنانی که با زنان آلوده نشدند، زیرا که با کره هستند؛ و آنانند که بره را هر یکجا می‌رود متابعت می‌کنند و از میان مردم خریده شده‌اند تا نوبت برای خدا و بره باشند.
- ۵ و در دهان ایشان دروغی یافت نشد، زیرا که بی‌عیب هستند.

۶ و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هرامت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد،

۷ و به آواز بلند می‌گوید: «از خدا بترسید و او را تجید نمائید، زیرا که زمان داوری اورسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید، پرستش کنید.»

۸ و فرشته‌ای دیگر از عقب او آمده، گفت: «منهدم شد بابل عظیم که از خمر غضب زنای خود، جمیع امت‌ها را نوشانید.»

۹ و فرشته سوم از عقب این دو آمده، به آواز بلند می‌گوید: «اگر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یا دست خود پذیرد،

۱۰ او نیز از خمر غضب خدا که در پیاله خشم وی بیغش آمیخته شده است، خواهد نوشید، و در نزد فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و کبریت، معذب خواهد شد،

۱۱ و دود عذاب ایشان تا ابدالابد بالا می‌رود. پس آنانی که وحش و صورت او را پرستش می‌کنند و هر که نشان اسم او را پذیرد، شبانه‌روز آرامی ندارند.»

۱۲ در اینجا است صبر مقدسین که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ می‌نمایند.

۱۳ و آوازی را از آسمان شنیدم که می‌گوید: «بنویس که از کنون خوشحالند مردگانی که در خداوند می‌میرند.

و روح می‌گوید: «بلی، تا از زحمات خود آرامی یابند و اعمال ایشان از عقب ایشان می‌رسد.»

درو کردن زمین

۱۴ و دیدم که اینک ابری سفید پدید آمد و برابر، کسی مثل پسر انسان نشسته که تاجی از طلا دارد و در دستش داسی تیز است.

۱۵ و فرشته‌ای دیگر از قدس بیرون آمده، به آواز بلند آن ابرنشین را ندا می‌کند که داس خود را پیش بیاور و درو کن، زیرا هنگام حصاد رسیده و حاصل زمین خشک شده است.

۱۶ و ابرنشین داس خود را بر زمین آورد و زمین درویده شد.

۱۷ و فرشته‌ای دیگر از قدسی که در آسمان است، بیرون آمد و او نیز داسی تیز داشت.

۱۸ و فرشته‌ای دیگر که بر آتش مسلط است، از مذبح بیرون شده، به آواز بلند ندا در داده، صاحب داس تیز را گفت: «داس تیز خود را پیش آور و خوشه‌های مو زمین را بچین، زیرا انگورهایش رسیده است.»
 ۱۹ پس آن فرشته داس خود را بر زمین آورد و موهای زمین را چیده، آن را در چرخشت عظیم غضب خدا ریخت.

۲۰ و چرخشت را بیرون شهر به پایفشردند و خون از چرخشت تا به دهن اسبان به مسافت هزار و ششصد تیر پرتاب جاری شد.

۱۵

هفت فرشته و هفت بلا

۱ و علامت دیگر عظیم و عجیبی در آسمان دیدم، یعنی هفت فرشته‌ای که هفت بلایی دارند که آخرین هستند، زیرا که به آنها غضب الهی به انجام رسیده است.

۲ و دیدم مثال دریایی از شیشه مخلوط به آتش و کسانی را که بر وحش و صورت او و عدد اسم او غلبه می‌یابند، بر دریای شیشه ایستاده و بر بطنهای خدا را بدست گرفته،

۳ سرود موسی بنده خدا و سرود بره را می‌خوانند و می‌گویند: «عظیم و عجیب است اعمال توای خداوند خدای قادر مطلق! عدل و حق است راههای توای پادشاه امت‌ها.

- ۴ کیست که از تو نترسد، خداوندا و کیست که نام تو را تجید نماید؟ زیرا که تو تنها قدوس هستی و جمیع امت‌ها آمده، در حضور تو پرستش خواهند کرد، زیرا که احکام تو ظاهر گردیده است.
- ۵ و بعد از این دیدم که قدس خیمه شهادت در آسمان گشوده شد،
- ۶ و هفت فرشته‌ای که هفت بلا داشتند، کفانی پاک و روشن دربر کرده و کمرایشان به کمر بند زرین بسته، بیرون آمدند.
- ۷ و یکی از آن چهار حیوان، به آن هفت فرشته، هفت پیاله زرین داد، پر از غضب خدا که تا ابدالابد زنده است.
- ۸ و قدس از جلال خدا و قوت او پر دود گردید.
- ۹ و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید، هیچ کس نتوانست به قدس درآید.

۱۶

هفت پیاله غضب خدا

- ۱ و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس به آن هفت فرشته می‌گوید که «بروید، هفت پیاله غضب خدا را بر زمین بریزید.»
- ۲ و اولی رفته، پیاله خود را بر زمین ریخت و دمل زشت و بد بر مردمانی که نشان وحش دارند و صورت او را می‌پرستند، بیرون آمد.
- ۳ و دومین پیاله خود را به دریا ریخت که آن به خون مثل خون مرده مبدل گشت و هر نفس زنده از چیزهایی که در دریا بود بمرد.
- ۴ و سومین پیاله خود را در نهرها و چشمه‌های آب ریخت و خون شد.
- ۵ و فرشته آنها را شنیدم که می‌گوید: عادل تو که هستی و بودی‌ای قدوس، زیرا که چنین حکم کردی،
- ۶ چونکه خون مقدسین و انبیا را ریختند و بدیشان خون دادی که بنوشند زیرا که مستحقند.»

۷ و شنیدم که مذبح می گوید: «ای خداوند، خدای قادر مطلق، داوریهای تو حق و عدل است.»
 ۸ و چهارمین، پیاله خود را بر آفتاب ریخت؛ و به آن داده شد که مردم را به آتش بسوزاند.

۹ و مردم به حرارت شدید سوخته شدند و به اسم آن خدا که بر این بلایا قدرت دارد، کفر گفتند و توبه نکردند تا او را تجید نمایند.
 ۱۰ و پنجمین، پیاله خود را بر تخت وحش ریخت و مملکت او تاریک گشت و زبانهای خود را از درد می گزیدند،
 ۱۱ و به خدای آسمان به سبب دردها و دملهای خود کفر می گفتند و از اعمال خود توبه نکردند.

۱۲ و ششمین، پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق آفتاب می آیند، مهیا شود.
 ۱۳ و دیدم که ازدهان ازدها و ازدهان وحش و ازدهان نبی کاذب، سه روح خبیث چون وزغها بیرون می آیند.

۱۴ زیرا که آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می سازند و بر پادشاهان تمام ربع مسکون خروج می کنند تا ایشان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق فراهم آورند.

۱۵ «اینک چون دزد می آیم! خوشبحال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد، مباداعریان راه رود و رسوایی او را ببینند.»
 ۱۶ و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون می خوانند، فراهم آوردند.

۱۷ و هفتمین، پیاله خود را بر هوا ریخت و آوازی بلند از میان قدس آسمان از تخت بدرآمده، گفت که «تمام شد.»

۱۸ و برقها و صداها و ورعدها حادث گردید و زلزله ای عظیم شد آن چنانکه از حین آفرینش انسان بر زمین زلزله ای به این شدت و عظمت نشده بود.

۱۹ و شهر بزرگ به سه قسم منقسم گشت و بلدان امت‌ها خراب شدو بابل بزرگ در حضور خدا بیاد آمد تا پپاله نجر غضب آلود خشم خود را بدو دهد.

۲۰ و هر جزیره گریخت و کوهها نایاب گشت،

۲۱ و تگرگ بزرگ که گویا به وزن یک من بود، از آسمان بر مردم بارید و مردم به سبب صدمه تگرگ، خدا را کفر گفتند زیرا که صدمه اش بینهایت سخت بود.

۱۷

زن سوار بر وحش

۱ و یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت پپاله را داشتند، آمد و به من خطاب کرده، گفت: «بیا تا قضای آن فاحشه بزرگ را که برآبهای بسیار نشسته است به تو نشان دهم،

۲ که پادشاهان جهان با او زنا کردند و ساکنان زمین، از زمر زنای او مست شدند.»

۳ پس مرا در روح به بیابان برد و زنی را دیدم بر وحش قرمزی سوار شده که از نامهای کفر پر بود و هفت سر و ده شاخ داشت.

۴ و آن زن، به ارغوانی و قرمز ملبس بود و به طلا و جواهر و مروارید مزین و پپاله‌ای زرین به دست خود پر از خبائث و نجاسات زنای خود داشت.

۵ و بر پیشانی اش این اسم مرقوم بود: «سرو بابل عظیم و مادر فواحش و خبائث دنیا.»

۶ و آن زن را دیدم، مست از خون مقدسین و از خون شهدای عیسی و از دیدن او بی نهایت تعجب نمودم.

۷ و فرشته مرا گفت: «چرا متعجب شدی؟ من سر زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد که حامل اوست، به تو بیان می‌نمایم.

۸ آن وحش که دیدی، بود و نیست و از هاویه خواهد برآمد و به هلاکت خواهد رفت؛ و ساکنان زمین، جز آنانی که نامهای ایشان از بنای عالم در دفتر حیات مرقوم است، در حیرت خواهند افتاد از دیدن آن وحش که بود و نیست و ظاهر خواهد شد.

۹ «اینجاست ذهنی که حکمت دارد. این هفت سر، هفت کوه می باشد که زن بر آنها نشسته است؛

۱۰ و هفت پادشاه هستند که پنج افتاده اند و یکی هست و دیگری هنوز نیامده است و چون آید می باید اندکی بماند.

۱۱ و آن وحش که بود و نیست، هشتمین است و از آن هفت است و به هلاکت می رود.

۱۲ و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته اند بلکه یک ساعت با وحش چون پادشاهان قدرت می یابند.

۱۳ اینها یک رای دارند و قوت و قدرت خود را به وحش می دهند.

۱۴ ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا که اورب الارباب و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با وی هستند که خوانده شده و برگزیده و امینند.»

۱۵ و مرا می گوید: «آبهایی که دیدی، آنجایی که فاحشه نشسته است، قوما و جماعتها و امتها و زبانها می باشد.

۱۶ و اما ده شاخ که دیدی و وحش، اینها فاحشه را دشمن خواهند داشت و او را بینوا و عریان خواهند نمود و گوشتش را خواهند خورد و او را به آتش خواهند سوزانید،

۱۷ زیرا خدا در دل ایشان نهاده است که اراده او را به جا آرند و یک رای شده، سلطنت خود را به وحش بدهند تا کلام خدا تمام شود.

۱۸ و زنی که دیدی، آن شهر عظیم است که بر پادشاهان جهان سلطنت می کند.»

انهدام بابل عظیم

- ۱ بعد از آن دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان نازل شد که قدرت عظیم داشت و زمین به جلال او منور شد.
- ۲ و به آواز زور آورنده کرده، گفت: «منهدم شد، منهدم شد بابل عظیم! و او مسکن دیوها و ملاذ هر روح خبیث و ملاذ هر مرغ ناپاک و مکروه گردیده است.
- ۳ زیرا که از خمر غضب آلود زنای او همه امت هانوشیده‌اند و پادشاهان جهان با وی زنا کرده‌اند و تجار جهان از کثرت عیاشی او دولت‌مند گردیده‌اند.»
- ۴ و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت: «ای قوم من از میان او بیرون آید، مبادا در گگاهانش شریک شده، از بلاهایش بهره‌مند شوید.
- ۵ زیرا گگاهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلمهایش را به یاد آورده است.
- ۶ بدو رد کنید آنچه را که او داده است و بحسب کارهایش دوچندان بدو جزا دهید و در پیاله‌ای که او آمیخته است، او را دوچندان بیامیزید.
- ۷ به اندازه‌ای که خویشتن را تجید کرد و عیاشی نمود، به آنقدر عذاب و ماتم بدو دهید، زیرا که در دل خود می‌گوید: به مقام ملکه نشسته‌ام و بیوه نیستم و ماتم هرگز نخواهم دید.
- ۸ لهذا بلا یای او از مرگ و ماتم و قحط در یک روز خواهد آمد و به آتش سوخته خواهد شد، زیرا که زور آور است، خداوند خدایی که بر او داوری می‌کند.
- ۹ آنگاه پادشاهان دنیا که با او زنا و عیاشی نمودند، چون دود سوختن او را بینند، گریه و ماتم خواهند کرد،
- ۱۰ و از خوف عذابش دور ایستاده، خواهند گفت: وای وای، ای شهر عظیم، ای بابل، بلده زور آور زیرا که در یک ساعت عقوبت تو آمد.
- ۱۱ «و تجار جهان برای او گریه و ماتم خواهند نمود، زیرا که از این پس بضاعت ایشان را کسی نمی‌خرد.

۱۲ بضاعت طلا و نقره و جواهر و مروارید و گمان نازک و ارغوانی و ابریشم و قرمز و عود قناری و هر ظرف عاج و ظروف چوب گرانها و مس و آهن و مرمر،

۱۳ و دارچینی و حماما و خوشبوی‌ها و مر و کندر و شراب و روغن و آرد میده و گندم و رمه‌ها و گله‌ها و اسبان و ارابه‌ها و اجساد و نفوس مردم،
۱۴ و حاصل شهوت نفس تو از تو گم شد و هر چیز فربه و روشن از تو ناپود گردید و دیگر آنها را نخواهی یافت.

۱۵ و تاجران این چیزها که از وی دولتند شده‌اند، از ترس عذابش دور ایستاده، گریان و ماتم گمان

۱۶ خواهند گفت: وای، وای، ای شهر عظیم که به گمان و ارغوانی و قرمز ملبس می‌بودی و به طلا و جواهر و مروارید مزین، زیرا در یک ساعت اینقدر دولت عظیم خراب شد.

۱۷ و هر ناخدا و کل جماعتی که بر کشتیا می‌باشند و ملاحان و هر که شغل دریا می‌کند دور ایستاده،

۱۸ چون دود سوختن آن را دیدند، فریادگان گفتند: کدام شهر است مثل این شهر بزرگ!

۱۹ و خاک بر سر خود ریخته، گریان و ماتم گمان فریاد برآورده، می‌گفتند: «وای، وای بر آن شهر عظیم که از آن هر که در دریا صاحب کشتی بود، از نفایس او دولتند گردید که در یک ساعت ویران گشت.

۲۰ «پس ای آسمان و مقدسان و رسولان و انبیاشادی کنید زیرا خدا انتقام شما را از او کشیده است.»

۲۱ و یک فرشته زورآور سنگی چون سنگ آسیای بزرگ گرفته، به دریا انداخت و گفت: «چنین به یک صدمه، شهر بابل منهدم خواهد گردید و دیگر هرگز یافت نخواهد شد.

۲۲ و صوت بربطرزان و مغنیان و فی زنان و کرناوازان بعد از این در تو شنیده نخواهد شد و هیچ صنعتگر از هر صنعتی در تو دیگر پیدا نخواهد شد و باز صدای آسیا در تو شنیده نخواهد گردید،
 ۲۳ و نور چراغ در تو دیگر نخواهد تابید و آواز عروس و داماد باز در تو شنیده نخواهد گشت زیرا که تجار تو اکابر جهان بودند و از جادوگری تو جمیع امت‌ها گمراه شدند.
 ۲۴ و در آن، خون انبیا و مقدسین و تمام مقتولان روی زمین یافت شد.»

۱۹

هلویاه

۱ و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند از گروهی کثیر در آسمان که می‌گفتند: «هلویاه! نجات و جلال و اکرام و قوت از آن خدای ما است،
 ۲ زیرا که احکام او راست و عدل است، چونکه داوری نمود بر فاحشه بزرگ که جهان را به زناى خود فاسد می‌گردانید و انتقام خون بندگان خود را از دست او کشید.»
 ۳ و بار دیگر گفتند: «هلویاه، و دودش تا ابد الابد بالا می‌رود!»
 ۴ و آن بیست و چهار پیر و چهار حیوان به روی درافتاده، خدایی را که بر تخت نشسته است سجده نمودند و گفتند: «آمین، هلویاه!»
 ۵ و آوازی از تخت بیرون آمده، گفت: «حمدنمایید خدای ما را ای تمامی بندگان او و ترسندگان او چه کبیر و چه صغیر.»
 ۶ و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون آوازهای فراوان و چون آواز رعدهای شدید که می‌گفتند: «هلویاه، زیرا خداوند خدای ما قادر مطلق، سلطنت گرفته است.
 ۷ شادی و وجد نمایم و او را تحمید کنیم زیرا که نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است.»

۸ و به او داده شد که به گنجان، پاک و روشن خود را بپوشاند، زیرا که آن گنجان عدالت‌های مقدسین است.»

۹ و مرا گفت: «بنویس: خوشبختی آنانی که به بزم نکاح بره دعوت شده‌اند.» و نیز مرا گفت که «این است کلام راست خدا.»

۱۰ و نزد پایپایش افتادم تا او را سجده کنم. او به من گفت: «زنهار چنین نکنی زیرا که من با تو هم‌خدمت هستم و با برادرانت که شهادت عیسی را دارند. خدا را سجده کن زیرا که شهادت عیسی روح نبوت است.»

کلمه خدا

۱۱ و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید،

۱۲ و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسبی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی‌داند.

۱۳ و جامه‌ای خون آلود در بر دارد و نام او را «کلمه خدا» می‌خوانند.

۱۴ و لشکریانی که در آسمانند، بر اسبهای سفید و به گنجان سفید و پاک ملیس از عقب او می‌آمدند.

۱۵ و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و او چرخشت نمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می‌افشرد.

۱۶ و بر لباس و ران او نامی مرقوم است یعنی «پادشاه پادشاهان و رب الارباب.»

۱۷ و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند، ندا کرده، می‌گوید: «بباید و بجهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید.»

۱۸ تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها و سواران آنها و گوشت همگان را، چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر.»

۱۹ و دیدم وحش و پادشاهان زمین و لشکرهاى ایشان را که جمع شده بودند تا با اسب سوار و لشکر او جنگ کنند.

۲۰ و وحش گرفتار شد و نبی کاذب با وی که پیش او معجزات ظاهر می کرد تا به آنها آتانی را که نشان وحش را دارند و صورت او را می پرستند، گمراه کند. این هر دو، زنده به دریاچه آتش افروخته شده به کبریت انداخته شدند.

۲۱ و باقیان به شمشیری که از دهان اسب سوار بیرون می آمد کشته شدند و تمامی مرغان از گوشت ایشان سیر گردیدند.

۲۰

هزار سال

۱ و دیدم فرشته ای را که از آسمان نازل می شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است.

۲ و ازدها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می باشد، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار سال در بند نهاد.

۳ و او را به هاویه انداخت و در را بر او بسته، مهر کرد تا امت ها را دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن می باید اندکی خلاصی یابد.

۴ و تختها دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که بجهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.

۵ و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. این است قیامت اول.

۶ خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با اوسلطنت خواهند کرد.

محکومیت شیطان

۷ و چون هزار سال به انجام رسد، شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت

۸ تا بیرون رود و امت هابی را که در چهار زاویه جهانند، یعنی جوج و ماجوج را گمراه کند و ایشان را بجهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست.

۹ و بر عرصه جهان برآمده، لشکرگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند. پس آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته، ایشان را بلعید.

۱۰ و ابلیس که ایشان را گمراه می کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نپی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالابد شبانه روز عذاب خواهند کشید.

۱۱ و دیدم تختی بزرگ سفید و کسی را بر آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آنها جایی یافت نشد.

۱۲ و مردگان را خرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند؛ و

دقترها را گشودند. پس دقتری دیگر گشوده شد که دقتر حیات است و بر مردگان داوری شد، بحسب اعمال ایشان از آنچه در دقترها مکتوب است.

۱۳ و دریا مردگانی را که در آن بودند باز داد؛ و موت و عالم اموات مردگانی را که در آنها بودند باز دادند؛ و هر یکی بحسب اعمالش حکم یافت.

۱۴ و موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی دریاچه آتش.

۱۵ و هر که در دقتر حیات مکتوب یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید.

۲۱

اورشلیم جدید

- ۱ و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی باشد.
- ۲ و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است.
- ۳ و آوازی بلند از آسمان شنیدم که می گفت: «اینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود.
- ۴ و خدا هراشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.»
- ۵ و آن تحت نشین گفت: «الحال همه چیز را نومی سازم.» و گفت: «بنویس، زیرا که این کلام امین و راست است.»
- ۶ باز مرا گفت: «تمام شد! من الف و یا و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات، مفت خواهم داد.
- ۷ و هر که غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود.
- ۸ لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.»
- ۹ و یکی از آن هفت فرشته که هفت پپاله پر از هفت بلای آخرین را دارند، آمد و مرا مخاطب ساخته، گفت: «بیا تا عروس منکوحه بره را به تو نشان دهم.»

- ۱۰ آنگاه مرا در روح، به کوهی بزرگ بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل می‌شود،
- ۱۱ و جلال خدا را دارد و نورش مانند جواهر گرانبها، چون یشم بلورین.
- ۱۲ و دیواری بزرگ و بلند دارد و دوازده دروازه دارد و بر سر دروازه‌ها دوازده فرشته و اسم‌ها بر ایشان مرقوم است که نامهای دوازده سبط بنی اسرائیل باشد.
- ۱۳ از مشرق سه دروازه و از شمال سه دروازه و از جنوب سه دروازه و از مغرب سه دروازه.
- ۱۴ و دیوار شهر دوازده اساس دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول بره است.
- ۱۵ و آن کس که با من تکلم می‌کرد، فی طلا داشت تا شهر و دروازه هایش و دیوارش را ببیناید.
- ۱۶ و شهر مربع است که طول و عرضش مساوی است و شهر را به آن نی پیوده، دوازده هزار تیر پرتاب یافت و طول و عرض و بلندی اش برابر است.
- ۱۷ و دیوارش را صد و چهل و چهار ذراع پیود، موافق ذراع انسان، یعنی فرشته.
- ۱۸ و بنای دیوار آن از یشم بود و شهر از زر خالص چون شیشه مصفی بود.
- ۱۹ و بنیاد دیوار شهر به هر نوع جواهر گرانبها مزین بود که بنیاد اول، یشم و دوم، یاقوت کبود و سوم، عقیق سفید و چهارم، زمرد
- ۲۰ و پنجم، جزع عقیقی و ششم، عقیق و هفتم، زبرجد و هشتم، زمرد سلقی و نهم، طویاز و دهم، عقیق اخضر و یازدهم، آسمانجونی و دوازدهم، یاقوت بود.
- ۲۱ و دوازده دروازه، دوازده مروارید بود، هر دروازه از یک مروارید و شارع عام شهر، از زر خالص چون شیشه شفاف.
- ۲۲ و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره قدس

- آن است.
- ۲۳ و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور می‌سازد و چراغش بره است.
- ۲۴ و امت‌ها در نورش سالک خواهند بود و پادشاهان جهان، جلال و اکرام خود را به آن خواهند درآورد.
- ۲۵ و دروازه هایش در روز بسته نخواهد بود زیرا که شب در آنجا نخواهد بود.
- ۲۶ و جلال و عزت امت‌ها را به آن داخل خواهند ساخت.
- ۲۷ و چیزی ناپاک یا کسی که مرتکب عمل زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن نخواهد شد، مگر آنانی که در دفتر حیات بره مکتوبند.

۲۲

نهر آب حیات

- ۱ و نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تحت خدا و بره جاری می‌شود.
- ۲ و در وسط شارع عام آن و بر هر دو کنار نهر، درخت حیات را که دوازده میوه می‌آورد یعنی هر ماه میوه خود را می‌دهد؛ و برگهای آن درخت برای شفای امت هاست.
- ۳ و دیگر هیچ لعنت نخواهد بود و تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود.
- ۴ و چهره او را خواهند دید و اسم وی بر پیشانی ایشان خواهد بود.
- ۵ و دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند، زیرا خداوند خدا بر ایشان روشنایی می‌بخشد و تا ابد اباد سلطنت خواهند کرد.
- ۶ و مرا گفت: «این کلام امین و راست است و خداوند خدای ارواح انبیا، فرشته خود را فرستاد تا به بندگان خود آنچه را که زود می‌باید واقع شود، نشان دهد.»

۷ «و اینک به زودی می‌آیم. خوشبحال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد.»

۸ و من، یوحنا، این امور را شنیدم و دیدم و چون شنیدم و دیدم، افتادم تا پیش پایهای آن فرشته‌ای که این امور را به من نشان داد سجده کنم.

۹ او مرا گفت: «زنهار نکنی، زیرا که هم‌خدمت با تو هستم و با انبیا یعنی برادران و باآنانی که کلام این کتاب را نگاه دارند. خدا را سجده کن.»

۱۰ و مرا گفت: «کلام نبوت این کتاب را مهر مکن زیرا که وقت نزدیک است.»

۱۱ هر که ظالم است، باز ظلم کند و هر که خبیث است، باز خبیث بماند و هر که عادل است، باز عدالت کند و هر که مقدس است، باز مقدس بشود.»

۱۲ «و اینک به زودی می‌آیم و اجرت من با من است تا هر کسی را بحسب اعمالش جزا دهم.»

۱۳ من الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم

۱۴ خوشبحال آنانی که رختهای خود را می‌شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه‌های شهر درآیند،

۱۵ زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بت‌پرستان و هر که دروغ را دوست دارد و بعمل آورد، بیرون می‌باشند.

۱۶ من عیسی فرشته خود را فرستادم تا شما را در کلیساها بدین امور شهادت دهم. من ریشه و نسل داود و ستاره درخشنده صبح هستم.»

۱۷ و روح و عروس می‌گویند: «بیا!» و هر که می‌شنود بگوید: «بیا!» و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی‌قیمت بگیرد.

۱۸ زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت می‌دهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید، خدا بلائی مکتوب در این کتاب را بروی

خواهد افزود.

۱۹ و هر گاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب نوشته است، منقطع خواهد کرد.

۲۰ او که بر این امور شاهد است، می گوید: «بلی، به زودی می آیم!»!

آمین. بیا، ای خداوند عیسی!

۲۱ فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باد. آمین.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 1 Oct 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f